با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

قطع برق در سایت چوب‌فروشان غیرضروری و مشکل‌ساز است

قطع برق شهرک‌های صنعتی باید براساس میزان مصرف برق و گاز آنها باشد نه اینکه فروشندگان و سوله‌داران سایت‌های شهرک‌های صنعتی که اصولا تولیدی ندارند و عمده‌فروش کالا هستند با قطع برق مواجه شوند. مثلا در سایت چوب‌فروشان در شهرک صنعتی خاوران همگی فروشنده چوب هستند و قطع برق در این سایت و سایت‌ها و شهرک‌های مشابه فقط باعث برهم خوردن امنیت می‌شود چرا که دوربین‌های مداربسته از کار می‌افتند و کرکره‌هایی که صبح بالا رفته‌اند پایین نمی‌آیند. در این شرایط کاسب مستاصل مانده که چطور سوله یا مغازه‌اش را رها کند و برود درحالی که در دل شهر نیست، کرکره‌اش قفل نشده و دوربین مداربسته هم ندارد؟

افتخاری از کسبه سایت چوب‌فروشان

نوسان قیمت برخی اقلام سودجویی از قیمت دلار است

این روزها قیمت برخی اقلام ضروری یا حتی غیرضروری دچار نوسان است مثلا یک روز موز می‌شود ۴۰هزار تومان، روز دیگر پیاز، ۲ روز بعد قیمت‌ها دوباره پایین می‌آید و دفعه بعد دوباره افزایش. در دیگر اقلام نیز این اتفاق می‌افتد درحالی که دولت برای ثبات قیمت تلاش می‌کند و مردم نیز صرفه جویانه در حال گذران امور هستند. سودجویی واردکنندگان از دلار ۴۰هزار تومان باعث می‌شود این اتفاقات رقم بخورد و سود آن هم به جیب همین سودجویان می‌رود.

بارمانی از سنندج

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

سکوی ایستگاه قطار قلعه حسن خان تاریک است

سکوی قطار حومه‌ای در شهر قدس (قلعه‌حسن‌خان) فاقد روشنایی و صندلی است. کافی است مسئولان راه‌آهن و شهرداری شهر قدس و نماینده مردم شهرستان‌های شهریار، قدس وملارد و فرماندار شهرقدس این وضعیت سکو و مسافران را چند ساعت ببینند تا متوجه شوند آنهایی که در سکو منتظر قطار تهران - قزوین هستند چه بر سرشان می‌آید. در آن صورت حتما به فکر نصب روشنایی و صندلی در دوطرف این سکو خواهند افتاد.

یاراحمدی از تهران

قطارشهری اصفهان کارت بلیت‌های منزلت را بپذیرد

امتیاز استفاده از کلیه وسایل نقلیه عمومی تحت نظارت شهرداری اصفهان به‌صورت نیم بها، یکی از وعده‌های اصلی و اولیه مسئولان سازمان رفاهی شهرداری برای حمایت از بازنشستگان و تکریم از اشخاصی است که واجد شرایط اخذ کارت شهروندی منزلت هستند، ولی چرا در مورد استفاده از قطار شهری (مترو) که تحت نظارت و پوشش شهرداری است، این امکان حمایتی مالی و رفاهی محقق نشده است؟

محمود بلیغیان از اصفهان

نهال کاری چند برابر هر سال شود

برنامه سالانه کاشت نهال همراه هرس شاخه‌های درختان روال و روندی سراسر خیروعام المنفعه است اما با توجه به تداوم آلودگی هوا و تغییرات اقلیمی ضرورت دارد چند برابر سنوات قبل نهال کاری شود. از شهرداری که در این امور پیشتاز است تقاضا داریم به این مهم توجه کند.

کاشانچی از تهران

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

بانک مسکن ۲۲بهمن رشت نوبت دهی داشته باشد

بانک مسکن ۲۲بهمن رشت همواره شلوغ است و به‌رغم وجود دستگاه نوبت دهی براساس نوبت عمل نمی‌شود. هر کسی که از راه برسد و آشنایی داشته باشد با نوبت یا بی‌نوبت کارش راه می‌افتد و هر کسی تصور کند که براساس نوبت دهی کارش انجام می‌شود چه بسا تا پایان ساعت کاری بانک در آنجا معطل شود. مدیر بانک نیز مشکل را جدی نمی‌گیرد و نوبت دهی را معضلی پیش پاافتاده می‌داند که قابلیت طرح ندارد.

معروفی از رشت

فرهنگ و معارف دینی در شبکه‌های مخصوص کودکان پررنگ‌تر شود

شبکه‌های تلویزیونی مخصوص کودکان و نوجوانان خوشبختانه بسیار ناچیز بدآموزی دارند و این خود بزرگ‌ترین حسن است که جای تشکر و قدردانی بسیار زیاد دارد اما ای کاش جنبه‌های فرهنگ و معارف دینی در این برنامه‌ها بیشتر منعکس شود. مثلا چه اشکالی دارد در لابه‌لای برنامه‌ها احادیث کوتاه و آیه‌های قرآن پخش شود. این سنین بهترین دوران برای شکل گیری آینده و سرنوشت است.

ابوالفتحی از تهران

از مجلس توقع داریم بودجه را اصولی بررسی کند

از مجلس توقع داریم حالا که بعد از یک‌ماه تأخیر لایحه بودجه به مجلس رفته است در بررسی جزئیات آن دقت دو چندان به خرج دهد و با عجله کار را جمع نکند. اگر بودجه مانند برخی سال‌ها با کسری، عدم‌تامین منابع درآمدی، نادیده گرفتن هزینه‌های اضافی و بسیاری از مواردی که هر سال تکرار می‌شود جمع‌بندی شود باید برای سال آینده بسیار نگران بود اما دقت و جزئی نگری با فراغ بال و دوری از سیاست‌زدگی می‌تواند آینده امیدوارکننده‌ای رقم بزند.

بایرامی از تبریز

انفجار هولناک خانه‌ای را در بوکان ویران کرد

۶قربانی در انفجار انبار خانگی مواد محترقه

گزارش

محمد جعفری
روزنامه‌نگار

قریب به ۲ماه مانده به شب چهارشنبه آخر سال، انفجار مواد محترقه در زیرزمین خانه‌ای در بوکان آنجا را به ویرانه تبدیل کرد و جان ۶عضو یک خانواده را گرفت تا زنگ خطر چهارشنبه‌سوری زودتر از هر سال به صدا درآید.

به گزارش همشهری، این انفجار حوالی ساعت ۱۹پنجشنبه شب در خانه‌ای واقع در کوچه بهار ۸بوکان اتفاق افتاد و شدت آن به حدی بود که خانه‌ای یک طبقه در دم ویران شد. همچنین دیوارهای خانه‌ای که در مجاورت آنجا قرار داشت نیز فروریخت و شیشه خانه‌هایی که در آن کوچه قرار دارد نیز شکست. همسایه‌ها که از شدت انفجار وحشت کرده بودند سراسیمه از خانه‌های‌شان بیرون آمدند و با ویرانه خانه همسایه مواجه شدند. هنوز به درستی معلوم نبود که این انفجار به چه دلیلی اتفاق افتاده و چه بر سر ساکنان خانه آمده؛ اما آنطور که همسایه‌ها می‌گفتند هنگام وقوع حادثه ساکنان خانه در آنجا حضور داشتند و به‌نظر می‌رسید که همگی زیر آوار مانده‌اند. در این شرایط بود که در تماس با آتش‌نشانی و اورژانس از آنها درخواست کمک شد. وقتی نخستین گروه از آتش‌نشانان به محل حادثه رسیدند و متوجه شدت حادثه شدند از هلال احمر نیز کمک خواستند و دقایقی بعد با حضور نزدیک به ۴۰امدادگر از آتش‌نشانی، هلال احمر، اورژانس و شهرداری بوکان عملیات امدادرسانی کلید خورد. همزمان مردم از مناطق دیگر شهر نیز خود را به محل حادثه می‌رساندند تا جویای حادثه شوند و همین موضوع ترافیک سنگینی در خیابان‌های اطراف محل حادثه ایجاد کرده بود.

تماس تلفنی با افراد زیر آوار

در شرایطی که عملیات آواربرداری به‌صورت شبانه ادامه داشت شهروندان بوکانی زیادی از سر کنجکاوی در محل حادثه حضور داشتند و لحظه به لحظه شایعات مختلفی ایجاد می‌شد. یکی از این شایعه‌ها برقراری تماس تلفنی با ۳نفری بود که در زیرزمین خانه گرفتار شده بودند. شایعه‌ای آشنا که چند سال قبل هنگام ریزش ساختمان پلاسکو نیز شنیده و خیلی زود کذب بودن آن تأیید شد. مسئول روابط‌عمومی آتش‌نشانی بوکان در این‌باره می‌گوید: این موضوع را ما هم که در محل حادثه حضور داشتیم شنیدیم اما واقعیت نداشت. چرا که حجم آوار به حدی بود که اصلا چنین چیزی عقلانی نبود و امکان زنده ماندن زیر چنین آوار سنگینی چیزی نزدیک به صفر بود. با وجود این عملیات آوار برداری با جدیت و بدون حتی یک لحظه توقف ادامه پیدا کرد و در ساعت ۲:۲۰ بامداد جمعه با کشف ۳پیکر دیگر که در زیرزمین قرار داشت عملیات جست‌وجو پایان یافت. او درباره جان‌باختگان نیز می‌گوید: قربانیان این حادثه پدر و مادر خانواده همراه با پسر، عروس و ۲نوه‌شان بودند که وضعیت محل حادثه و پیکرهای کشف شده نشان می‌داد همگی در همان لحظات اولیه پس از انفجار جان خود را از دست داده‌اند.

علت انفجار چه بود؟

هرچند در دقایق اولیه پس از وقوع این انفجار خبرهای اولیه نشان می‌داد که به‌احتمال زیاد نشت و انفجار گاز شهری دلیل حادثه است اما در ادامه این فرضیه رد شد. یوسف عبدالله نژاد، سخنگوی شرکت گاز آذربایجان غربی در این‌باره گفت که علت این حادثه ناشی از گاز طبیعی نبوده و بررسی‌ها برای کشف علت انفجار از سوی نهادهای متولی آغاز شده است. موضوعی که مسئول روابط‌عمومی آتش‌نشانی بوکان نیز آن را تأیید می‌کند و می‌گوید: هرچند گزارش فنی این حادثه هنوز آماده نشده اما بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که دلیل انفجار گاز شهری نیست؛ بلکه ممکن است دلیل حادثه انفجار مواد محترقه باشد. او ادامه می‌دهد: همکارانم در زیرزمین این خانه مقداری مواد محترقه کشف کردند که ممکن است همین مواد و آثار به جا مانده از آن دلیل انفجار باشد.

زنگ خطر چهارشنبه سوری

انفجار مواد محترقه در این خانه در شرایطی اتفاق افتاده که بنابر اعلام آتش‌نشانی بوکان در ماه‌های انتهایی سال‌های گذشته نیز شاهد حوادث تلخی در این شهر درخصوص انفجار مواد محترقه بوده‌ایم. از سوی دیگر یکی از ساکنان منطقه که پس از وقوع این انفجار مرگبار در محل حادثه حاضر شده بود نیز اطلاعاتی را در اختیار همشهری گذاشت که نشان می‌دهد در آنجا مقدار زیادی مواد محترقه انبار شده بود. او درباره آنچه در آنجا دیده به همشهری می‌گوید: صحنه وحشتناکی بود. دیگر چیزی از خانه باقی نمانده بود و همه‌اش آوار شده بود و امدادگران بعد از چندین ساعت آوار برداری و به زحمت توانستند پیکر قربانیان را بیرون بکشند. او درباره علت انفجار می‌گوید: در آنجا مقدار زیادی پوکه‌های مربوط به ترقه دیدم و به‌احتمال زیاد همین ترقه‌ها باعث انفجار شده است. این شاهد عینی در ادامه به حادثه‌های قبلی در بوکان که بر اثر انفجار مواد محترقه اتفاق افتاده اشاره می‌کند و می‌گوید: همیشه آخر سال بعضی افراد از مرز ترقه وارد کرده و انبار می‌کنند تا نزدیک شب چهارشنبه‌سوری بفروشند. در سال‌های قبلی ترقه وارد می‌کردند اما در سال‌های اخیر مواد محترقه وارد می‌کنند و در اینجا با استفاده از پوکه‌های پلاستیکی ترقه درست می‌کنند و می‌فروشند. احتمالا این خانه هم به همین دلیل منفجر شده است.

بازی مرگبار کودکانه کنار رودخانه

مردم روستا که به‌دنبال گم شدن پسربچه خردسال، جست‌وجو در رودخانه را آغاز کرده بودند با اجساد ۲کودک دیگر روبه‌رو شدند که ظاهرا هنگام بازی در کنار رودخانه به داخل آن سقوط کرده و غرق شده بودند. به گزارش همشهری، بعدازظهر چهارشنبه گذشته وقتی مردم روستای بلغان از توابع شهرستان لار استان فارس باخبر شدند که پسربچه خردسالی از اهالی روستا هنگام بازی در کنار رودخانه فصلی ناپدید شده است، برای نجات او به سمت رودخانه رفتند. آنها در حال جست‌وجو برای پیدا کردن پسربچه گمشده بودند که در کمال تعجب با پیکر بی‌جان ۲کودک دیگر در داخل رودخانه مواجه شده و اورژانس را خبر کردند. مسئول روابط‌عمومی اورژانس لارستان با بیان این خبر گفت: حوالی عصر چهارشنبه بود که ماجرای غرق شدن ۲کودک به اورژانس گزارش شد و تیم‌های امدادی راهی رودخانه فصلی روستای بلغان شدند. آنها وقتی به محل حادثه رسیدند که مردم روستا پیکر ۲کودک ۴و ۵ساله را از دل آب بیرون کشیده بودند اما در بررسی‌ها معلوم شد که هر دو کودک جانشان را از دست داده‌اند. صالح بیگلری ادامه داد: در واقع مردم روستا به‌دنبال پسربچه‌ای ۸ساله از اهالی روستای بلغان بودند که ظاهرا هنگام بازی در کنار رودخانه به داخل آن سقوط کرده و غرق شده بود اما در جریان جست‌وجو، متوجه غرق شدن ۲کودک دیگر شده و پیکر بی‌جان آنها را از آب بیرون کشیده بودند. این دو کودک ۴و ۵ساله از اتباع افغانستان بودند که ظاهرا آنها نیز هنگام بازی در کنار رودخانه به داخل آب سقوط کرده و غرق شده بودند. با پیدا شدن پیکر بی‌جان ۲کودک، نیروهای امدادی جست‌وجو برای یافتن کودک ۸ساله را ادامه دادند که این جست‌وجوها تا صبح دیروز ادامه داشت و هنوز اثری از کودک گم‌شده پیدا نشده است.

عاملان قتل استاد دانشگاه تحت تعقیب پلیس بین‌الملل قرار گرفتند

شاهد جنایت، اسرار قتل را فاش کرد

جنایی

«من شاهد یک قتل هولناک بودم و از آن روز به بعد مدام کابوس می‌بینم و نمی‌توانم بخوابم.» این بخشی از گفته‌های دختر جوانی است که خودش را به اداره پلیس رسانده بود تا اسرار قتل یک استاد دانشگاه را فاش کند. مردی که در هفته‌های گذشته به طرز مرموزی ناپدید شده بود و کسی از سرنوشت وی خبر نداشت.

به گزارش همشهری، تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی تهران درباره سرنوشت استاد دانشگاه از چندی قبل شروع شد؛ از روزی که مردی میانسال قدم در اداره پلیس گذاشت و گفت پسرش به طرز مشکوکی ناپدید شده است. وی توضیح داد: پسرم استاد دانشگاه است. او متاهل است و با همسرش زندگی می‌کرد و معمولا آخر هفته‌ها به دیدن من و مادرش می‌آمد اما چند روزی است که نه از پسرم خبری است و نه از همسرش. هرچه به موبایل آنها زنگ می‌زنم جوابم را نمی‌دهند و حتی زمانی که به خانه‌شان سر زدم، کسی جواب زنگ آیفون را نداد.

شروع تحقیقات

با اظهارات این مرد، تیمی از کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی تهران به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس دادسرای جنایی، تحقیقات برای یافتن ردی از زوج گمشده را آغاز کردند. آنها با حضور در محل زندگی این زوج، متوجه شدند که استاد دانشگاه و همسرش به تازگی دچار اختلافاتی شده بودند و همسایه‌ها چند باری صدای دعوایشان را شنیده بودند اما اینکه اثری از هیچ‌کدام از آنها نبود، ماجرا را مرموز کرده بود. کارآگاهان حتی از مراکز درمانی هم استعلام کردند اما ردی از زن و شوهر گمشده نبود تا اینکه دختری جوان چند روز قبل راهی اداره آگاهی تهران شد و اسرار ناپدید شدن آقای دکتر و همسرش را فاش کرد.

من شاهد یک جنایت بودم

دختر جوان درحالی که وحشت‌زده بود و دست و پایش می‌لرزید، مقابل افسر پرونده نشست و گریه‌کنان شروع کرد به حرف زدن: من شاهد قتل استاد دانشگاه بودم و ازآن روز به بعد رنگ آرامش را ندیده‌ام. حالا هم آمده‌ام راز قتل را فاش کنم تا شاید کمی آرامش به زندگی‌ام برگردد. وی ادامه داد: پاتوق من کافه‌ای در یکی از مناطق تهران است. در جریان رفت‌وآمد به کافه با زنی به‌نام مونا آشنا شدم. کم‌کم رابطه من و مونا صمیمی شد و همیشه باهم در تماس بودیم. مونا فوق‌دیپلم داشت و با مردی که استاد دانشگاه بود ازدواج کرده بود. آنطور که مونا می‌گفت، شوهرش وضع مالی خیلی خوبی داشت. هرچه دوستی‌ام با مونا بیشتر می‌شد، کم‌کم به اسرار زندگی او پی بردم. دختر جوان گفت: درجریان رفت‌وآمد به خانه مونا متوجه شدم که او با شوهرش اختلافاتی دارد تا اینکه یک روز برایم تعریف کرد که قصد دارد از او جدا شود اما نمی‌تواند. آنطور که متوجه شدم مونا به تازگی با یکی از پسرهایی که به کافه رفت‌وآمد داشت صمیمی شده بود. نام او کامیار بود و در زمینه طراحی ساختمان و نقشه کشی فعالیت می‌کرد. مونا سفره دلش را برای کامیار باز کرده و از مشکلات زندگی‌اش برای او گفته بود؛ رابطه آنها آنقدر صمیمی شده بود تا جایی که تصمیم گرفته بودند استاد دانشگاه را به قتل برسانند. چرا که او حاضر نبود مونا را طلاق بدهد. شاهد جنایت ادامه داد: آنها مرا هم وارد بازی خطرناک خود کردند. مونا از من خواست تا با شوهرش تماس بگیرم و او را به بام آجودانیه، محلی که قرار بود در آنجا کشته شود بکشانم. من هم مجبور شدم با آنها همکاری کنم چون مونا از همه اسرار زندگی من باخبر بود. البته فکرش را نمی‌کردم که آنها نقشه‌ای را که کشیده بودند عملی کنند و تصور می‌کردم که همه‌چیز شوخی است. آن روز به آقای دکتر، (شوهر مونا) زنگ زدم و به بهانه اینکه می‌خواهم درباره اختلافات او و همسرش صحبت کنم، با او در بام آجودانیه قرار گذاشتم. آقای دکتر مرا به خوبی می‌شناخت و حرفم را باور کرد و سر قرار حاضر شد. از دقایقی قبل از حضور او، مونا و کامیار نیز در آنجا حضور یافتند و وقتی آقای دکتر رسید، به سمت وی حمله کردند و با همدستی یکدیگر آقای دکتر را با ضربات چاقو به قتل رساندند. دختر جوان با گریه ادامه داد: هوا تاریک بود و کسی آن اطراف نبود. من وحشت‌زده، شاهد قتلی بودم که اصلا دخالتی در آن نداشتم. سپس مونا و کامیار جسد را به داخل ماشین‌شان کشاندند و به سمت روستایی واقع در دماوند رفتند. من نیز همراهشان بودم و در بیابان‌های آنجا، مونا و کامیار جسد را به آتش کشیدند. بعد از آن مرا به خانه رساندند و آنطور که از حرف‌های مونا شنیدم، تصمیم گرفته بودند به‌صورت غیرقانونی از کشور خارج شوند. نظر کامیار این بود که به دوبی بروند تا هرگز دستشان رو نشود. آنها رفتند و من ماندم با عذاب وجدانی که لحظه‌ای رهایم نمی‌کرد. حدود ۱۰روز از این ماجرا می‌گذرد و من از آن شب به بعد نتوانستم بخوابم. هربار هم که چشمانم را بستم کابوس‌های وحشتناک دیدم و وحشت‌زده از خواب پریدم. تا اینکه تصمیم گرفتم این راز هولناک را فاش کنم، چرا که می‌دانم خانواده آقای دکتر هم نگران سرنوشت او هستند. پس از آنکه شاهد جنایت، اسرار ناپدید شدن استاد دانشگاه را فاش کرد، مأموران به استعلام از پلیس دماوند پرداختند که مشخص شد جسد سوخته آقای دکتر در یکی از روستاهای واقع در دماوند توسط چوپانی کشف شده اما چون هویت او معلوم نبود، به پزشکی قانونی منتقل شده است. در این شرایط خانواده مقتول راهی پزشکی قانونی شدند و از روی ساعتی که در دست جسد مرد جوان بود، وی را شناسایی کردند. با مشخص شدن سرنوشت استاد دانشگاه، دستور بازداشت مونا و کامیار صادر شده و نام و هویت آنها در اختیار پلیس بین‌الملل قرار گرفته تا هرچه زودتر دستگیر و به ایران بازگردانده شوند.

کوتاه از حادثه

۱۱قربانی در ۲تصادف هولناک

جاده‌های کشور در روزهای آخر هفته، شاهد چندین حادثه رانندگی بود که در ۲مورد از این حوادث که در گچساران و تفرش اتفاق افتاد، ۱۱نفر جان باختند و شماری نیز مصدوم شدند.

به گزارش همشهری، نخستین حادثه ساعت ۲۱:۳۰ چهارشنبه در منطقه پشکان گچساران واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد اتفاق افتاد. یک دستگاه خودروی پراید در حال حرکت در جاده بود که بنا به دلایل نامعلومی از مسیر اصلی منحرف شد و به یک گودال آب سقوط کرد. هر چند امدادگران اورژانس به محض اطلاع از حادثه راهی آنجا شدند اما به‌دلیل گذشت زمان زیادی از غرق شدن خودرو، ۵سرنشین آن که یک ایرانی و ۴ نفر از اتباع افغانستان بودند، جان باختند و یک نفر دیگر با شکستن شیشه از خودرو بیرون آمده و خود را نجات داده بود که به بیمارستان شهید رجایی گچساران منتقل شد.

تصادف اتوبوس با کامیون

دومین حادثه که بیشترین تلفات را داشت، مربوط به تصادف یک دستگاه اتوبوس ولوو، حامل کارگران یک کارخانه با یک کامیون ایسوزو است که جان ۶نفر را گرفت و ۱۱مصدوم برجا گذاشت. این حادثه ساعت ۶:۳۰ صبح پنجشنبه در مسیر فرمهین به تفرش، در گردنه نقره‌کمر واقع در استان مرکزی اتفاق افتاد. سرنشینان اتوبوس، کارگران شرکت کبیر ریس بودند که از محل کار به سمت تفرش حرکت می‌کردند اما در مسیر ناگهان ترمز اتوبوس دچار نقص شد و راننده تلاش کرد که خودرو را کنترل کند اما تلاشش فایده‌ای نداشت و با کامیون ایسوزو برخورد کرد و این حادثه رقم خورد. به‌دنبال وقوع این حادثه گروه‌های امداد و نجات با چندین آمبولانس و بالگرد امداد، خود را به محل حادثه رساندند و ۱۱مصدوم این حادثه به مراکز درمانی منتقل شدند. در همین حال سرهنگ محمد پورشمس، رئیس پلیس راه فرماندهی انتظامی استان مرکزی علت حادثه را نقص فنی در سیستم ترمز اتوبوس اعلام کرد.

نظافتچی، مچ سارق سریالی را گرفت

مجرم سابقه دار که هربار پس از آزادی از زندان، سرقت‌هایش را از سر می‌گرفت در آخرین سرقت خود با هوشیاری نظافتچی پاساژ، دستگیر شد.

به گزارش همشهری، متهم این پرونده که معتاد به شیشه است تا پیش از این ۴ مرتبه به اتهام سرقت و زورگیری دستگیر شده و به زندان افتاده بود. او آخرین بار دوماه قبل از زندان آزاد شد و نقشه سرقت تازه‌ای کشید. مجرم سابقه دار قدم در پاساژهای معروف و بزرگ تهران می‌گذاشت و پس از ورود به سرویس بهداشتی‌ها، در فرصتی مناسب دست به سرقت شیرآلات آنجا می‌زد. سپس آنها را درون کوله پشتی‌اش قرار می‌داد و فرار می‌کرد. این سارق سابقه‌دار در آخرین سرقت قدم در یکی از پاساژهای تهران گذاشت و پس از سرقت در حال ریختن وسایل درون کیف کوله‌اش بود که یک نظافتچی مچ وی را گرفت. مرد نظافتچی وقتی دید سارق شیرآلات سرویس بهداشتی را سرقت کرده، به سمت او رفت و با سارق درگیر شد. سارق تقلا می‌کرد تا هر طور شده خودش را از مخمصه نجات بدهد اما مرد نظافتچی با جارو ضربه‌ای به او زد و سارق زمین‌گیر شد. به این ترتیب متهم دستگیر و وقتی پلیس در محل حادثه حاضر شد، در بازرسی از کیف وی، کلاه گیس و یک شال زنانه به همراه وسایل سرقتی کشف شد. سارق دراین باره گفت:معمولا پس از انجام سرقت‌ها، کلاه گیس بر سرم می‌گذاشتم و شالی دور دهانم قرار می‌دادم تا چهره‌ام مشخص نشود. چون من یک مجرم سابقه‌دار هستم و این بار پنجمی است که دستگیر می‌شوم. وی ادامه داد:انگیزه‌ام از ارتکاب سرقت، تامین هزینه اعتیادم بود. من معتاد به شیشه هستم و جای مشخصی برای زندگی ندارم. به همین دلیل ناچار بودم دست به سرقت بزنم تا هزینه زندگیم تامین شود. این شیوه را هم در زندان آموختم و بعد از سرقت شیرآلات را می‌فروختم تا پول خورد و خوراک وموادم را به‌دست آورم اما در آخرین سرقت نظافتچی پاساژ مچم را گرفت و چون معتادم نتوانستم در جدال با او، موفق به فرار شوم. براساس این گزارش، متهم به دستور بازپرس ویژه سرقت بازداشت شد و برای انجام تحقیقات بیشتر و شناسایی شاکیان احتمالی در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفته است.

برف جان جوان تبریزی را گرفت

جوان ۱۸ساله تبریزی در اثر لیز خوردن جان خود را از دست داد.

جوان ۱۸ساله‌ای که قصد رفتن به منزل دایی خود در منطقه سیلاب تبریز را داشت، هنگام بالا رفتن از پله‌های کوچه، پایش لیز خورده و دچار حادثه‌ای مرگبار شد.

به گزارش همشهری، این حادثه هفته گذشته در حاشیه شهر تبریز رخ داد. به‌دنبال بارش برف در این شهر، شرایط رفت‌وآمد در برخی از کوچه‌ها که در منطقه سیلاب که منطقه‌ای در حاشیه است، بسیار مشکل شده و همین باعث وقوع حادثه‌ای مرگبار شد. به‌گفته یکی از ساکنان این منطقه، متأسفانه این قسمت از تبریز دارای کوچه‌های باریک با پله‌های زیاد و در هنگام بارش برف افراد زیادی از این پله‌ها لیز خورده و دچار مصدومیت شده‌اند. عصر پنجشنبه نیز یک جوان که قصد رفتن به خانه دایی‌اش در این منطقه را داشت، هنگام عبور از پله‌ها پایش لیز خورد و به پایین سقوط کرد که متأسفانه بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد.

عملیات نجات در سرمای منهای ۱۳درجه

۲نگهبان معدن که به‌دنبال برف و کولاک در شهرستان سمیرم ناپدید شده بودند پس از ۸ساعت از مرگ حتمی نجات یافتند. به گزارش همشهری، عصر پنجشنبه ۲نگهبان که وظیفه محافظت از معدنی در منطقه کوه پشتمکان شهرستان سمیرم در استان اصفهان را داشتند، از محل اسکان خود خارج شدند تا برای انجام کاری خودشان را به شهر برسانند. آنها اما هنگام عبور از مسیر برفی، در سرمای منهای ۱۳درجه گرفتار برف و کولاک شده و مسیر را گم کردند و دچار سرمازدگی شدند. با گزارش این ماجرا به هلال احمر استان اصفهان، تیم‌های امدادی برای نجات ۲نگهبان وارد عمل شدند. مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان گفت: با هماهنگی مرکز کنترل عملیات استان به سرعت تیم‌های امداد کوهستان جمعیت هلال‌احمر به همراه آمبولانس پایگاه «پشته سمیرم» به منطقه اعزام شدند. محمدنوید متقی افزود: طی ۸ساعت عملیات جست‌وجو و نجات شبانه در برف و سرمای منفی ۱۳درجه سانتی‌گراد، ۲نگهبان مفقودی، پیدا شده و برای فرایندهای درمانی به بیمارستان سیدالشهدا(ع) سمیرم منتقل شدند.

بازگشت همه به‌سوی اوست

جناب آقای **حمید پروری** درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم؛ از ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و سلامتی مسالت داریم.

همکاران شما در موسسه همشهری